

تزینات کتیبه‌ای مسجد جامع قزوین

مهناز شایسته‌فر*

چکیده

مسجد جامع عتیق قزوین مانند سایر مساجد جامع کشور، از ابهت خاصی برخوردار است. این مسجد از نوع مساجد چهار ایوانی است و شکل مربع مستطیل، شرقی - غربی و گنبدی، خریزه‌ای دارد. کتیبه‌های خاص آن، از نظر سبک هنری، نگارش و مفاهیم، در هنر خوشنویسی و معماری جایگاه خاصی دارد. این مقاله با هدف بازشناسی و بررسی زیباشناختی، کتیبه‌های مسجد جامع به‌طور عام و شبستان مسجد را به‌طور خاص مورد مطالعه قرار می‌دهد. با مطالعه و تجزیه و تحلیل کتیبه‌های مسجد جامع قزوین می‌توان به زیبایی، فصاحت کلام، محتوا و صنعت ادبی آنها دست یافت و به واقعیت‌های هنری بکر و اصیل کتیبه‌ها پی برد. در این مقاله، پیشینه تاریخی شهر قزوین بررسی می‌شود و در تحلیلی مبسوط به معماری دوران صفویه و معرفی توصیفی مسجد جامع قزوین پرداخته می‌شود. همچنین هر یک از کتیبه‌های مسجد، اعم از آیات قرآن و احادیث و ادعیه معرفی و بررسی می‌شود. روش تحقیق به‌صورت تاریخی، تحلیلی و توصیفی بوده و اطلاعات از بررسی اسناد و همچنین به‌صورت میدانی گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها

مسجد جامع قزوین، تزینات کتیبه‌ای، مفاهیم و مضامین.

مقدمه

بی‌شک مساجد در دوران اسلامی، در رویدادها و حوادث سیاسی، اجتماعی و

* دانشیار گروه هنر اسلامی دانشگاه تربیت مدرس

فرهنگی نقشی سازنده و تحول‌آفرین داشته‌اند. احداث و تعمیر مساجد، مدارس و عمارت‌های عمومی یکی از واجبات الهی تلقی شده و می‌شود. در اهمیت مسجد، که در پانزده آیه شریفه از سیزده سوره قرآن بدان اشاره شده است، پنجاه‌وپنج بار از واژه‌هایی از ریشه «سَجَد» استفاده شده است. اهمیت و ارزش این واژه، انسان‌های مؤمن را ترغیب کرده است تا با اعتقاد راسخ خود مساجدی را بنا کنند که بدون نقص، محکم، ماندگار، زیبا و روح‌بخش باشد. این مقاله و پژوهش با استفاده از مطالعه کتب، منابع مکتوب، مصاحبه با صاحب‌نظران در منطقه و بررسی حضوری در مکان، تنظیم شده است. مقاله حاضر، پس از ارائه ارزش و اهمیت مسجد در فرهنگ اسلامی، به سوابق و زمینه‌های تاریخی بخش‌های مختلف مسجد و به‌طور کلی، حکومت‌هایی که در احداث، مرمت و تکمیل این مسجد نقش عمده‌ای داشته‌اند، پرداخته است. این حکومت‌ها از زمان عبدالملک بن مروان امویان آغاز شده‌اند و در زمان هارون الرشید، اماکنی در ضلع شرقی مسجد کنونی، تحت عنوان طاق هارونی بنا شده است. همچنین در دوره ملک‌شاه سلجوقی، بنای چهار ایوانی و شبستان جعفری را فرماندار قزوین احداث می‌کند. با هجوم بی‌امان مغولان، بخش‌هایی از این مسجد تخریب شد که در زمان شاه سلیمان صفوی، گنبد، ایوان دو اشکوبه ضلع جنوبی، مناره‌ها، ایوان و تزیینات ضلع شمالی، احداث و مرمت شد؛ کتیبه‌های به‌جا مانده از این زمان در محل به این نکته اشاره می‌کند. فتح‌علیشاه در زمان حاکمیت قاجار، تزییناتی را با سبک و سیاق ویژه‌ای به مسجد افزود که به‌طور مبسوط به آن اشاره خواهد شد. در نهایت به اجزا و بخش‌هایی همچون سردرها، حیاط، ایوان‌ها و شبستان ضلع جنوبی مسجد و جزئیات کتیبه‌ها، اعم از نوع، کیفیت، تکنیک اجرا و مضامین هر یک پرداخته خواهد شد.

نقش مسجد در فرهنگ اسلامی

از دیرباز در هر آیین و مذهبی، مکان نیایش معبود و آفریدگار، از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار بود و در ساخت و حفظ شرایط و آداب آن، اهتمام ویژه‌ای مبذول می‌شده است. مساجد در کشورهای اسلامی، یکی از مراکز تجلی هنر مذهبی و متعهد به تعالی علوم و فرهنگ بوده است.

مسجد، پایگاهی در برابر تهاجم کفر و شرک است. کشتی مطمئنی در دریای خروشان هواهای نفسانی و آرام‌بخش دل‌های مضطرب و مشوش است. همان‌گونه که در قرآن مطرح شده است، خانه خدا و مأمن مردم، برای ناس، یعنی برای عموم مردم از هر نژاد، از هر صنف، طبقه و قشری که باشد. مسجد تجلی «واعتصموا بحبل الله» است. یعنی به عبارتی، مردم از طریق مسجد با هم یکی شده و وحدت می‌یابند.^۱

مسجد، خانه جماعت و تجلی گاه تقوی و پرهیز از هر آنچه غیر خداست؛ محل دوری از تفرقه‌ها و کشمکش‌ها، تجلی اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر و شمیم خوش و روح‌نواز وحدت است. مسجد، خانه‌ای است که در آن معنای «اشداء علی الکفار» قوت می‌گیرد. خانه عشق و رحمت بین قلوب است. در مسجد، «رحماء بینهم» در محملی عاشقانه در هم می‌آمیزند، یکی می‌شوند و یکی را می‌خوانند و برگرد یکی به گردش معنادار می‌نشینند. مسجد، خانه دوری از گناه و اصلاح ذات‌البین است (آیه یک، سوره انفال). مسجد، صراط‌المستقیم و طریق سیر الی الله است که خداوند می‌فرماید «قل سیروا الی الله»؛ مسجد تجسمی از انالله و انالیه راجعون است.^۲

۱. عباس حاجی آقامحمدی (۱۳۷۷)، *سیمای استان قزوین*، قزوین، طه، ص ۳۶.

۲. محمد علی‌آبادی (۱۳۷۸)، «مقاله جلوه‌های جمال در مسجد»، *مجموعه مقالات معماری مسجد، گذشته، حال*،

آینده، دانشگاه هنر، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه هنر، ص ۳۱۱.

از جمله مساجدی که در منطقه باستانی و تاریخی قزوین کانون مهم عبادات، مناسک، تصمیمات کشوری و لشکری به‌شمار می‌رود، مسجد جامع کبیر است که در دوره‌های اسلامی، بنای آن شاهد مرمت و تکمیل واحدها و قطعاتی از جمله ایوان‌ها، مقصوره‌ها و سرداب‌ها بوده است. بررسی این دوران، نشانگر توجه و عشق و علاقه به کانون مذهبی اسلام یعنی مسجد است.

مسجد جامع قزوین

درباره نخستین مسجدی که در قزوین بنا شده است، هیچ نظریه‌ای وجود ندارد، زیرا پس از گرویدن مردم قزوین به اسلام، مشخص نیست که آیا آن‌ها برای گزاردن نماز، عبادتگاهی ساختند و یا نماز را در محل آتشکده به جای می‌آوردند؟

بنابر روایات، نخستین مسجد در قزوین در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز، خلیفه اموی، در محل مقصوره جامع کبیر کنونی که آتشکده بود، بنا شده است؛ ولی روایات منقول در کتاب *البلدان ابن فقیه* تدوین امام رافعی نشان می‌دهد که نخستین مسجد قزوین در زمان عبدالملک بن مروان (۸۹۲-۸۶/۷۰۵-۲۷۹) و پیش از عمر بن عبدالعزیز بنا شده است. به این ترتیب که حجاج بن یوسف ثقفی، والی عراق و جبال، پسر خود محمد بن حجاج را به جنگ دیلم فرستاد، اما او کاری از پیش نبرد. به قزوین بازگشت و در آنجا مسجدی بنا کرد که نام آن را توث، یا ثوب، یا توت یا ثور نوشته‌اند (گلریز، ۱۳۳۷: ۴۷۵).

هارون الرشید، خلیفه عباسی در سال ۸۰۶/۱۹۲ در راه خود به خراسان، به قزوین آمد و مسجد جامعی را در کنار مسجد جامع کبیر بنا کرد و مستقلاتی خریداری و وقف آن بقعه کرد که به رشیدیات مشهور شد. روایت دیگری بنای مسجد جامع را به قاضی ابوالحسن محمد بن یحیی بن زکریا، که سمت امامت و قضاوت قزوین را برعهده

داشت، منتسب می‌کند که اکنون به طاق هارونی معروف است. این مسجد از نمونه مساجد دوران اولیه اسلامی است که بنای آن بسیار ساده و عاری از هر گونه تکلف بوده و بنای دیوارهای آن با آجر و مسقف به طاق آجری است.^۱

در سی متری مسجد کوچکی که در زمان هارون الرشید، فردی به نام زکریا ساخته است، نزدیک مدرسه‌ای که در سده چهارم هجری، ابوالقاسم اسماعیل صاحب بن عباد، وزیر معروف دو نفر از سلاطین آل بویه - مؤیدالدوله و فخرالدوله - احداث کرده است، امیر منصور خمارتاش بن عبدالله العمادی شبستان گنبدداری را که معرف طرح اولیه مسجد است، روی بنیاد بنایی احداث کرد که متعلق به قبل از اسلام بوده است.^۲ این بنا در سال ۱۱۰۶/۵۰۰ آغاز و در سال ۱۱۱۵/۵۰۹ به پایان رسید. مسجد در این زمان بنایی به جز شبستان گنبد نداشت.^۳ این مطلب از معماری قسمت‌های مجاور و کتیبه‌هایی که در آنجا مشاهده می‌شود نیز مشخص است. بعدها در سال ۱۰۶۹/۱۶۵۸ به دستور شاه عباس دوم، ایوان بزرگی در قسمت شمالی شبستان خمارتاش احداث شد که مسجد را به صحن حیاط مرتبط می‌سازد.^۴

اجزا و عناصر مسجد جامع کبیر

این مسجد در محله‌ای به نام دباغان، در کنار حاشیه غربی خیابان شهدا (سپه) واقع و مانند مسجد، جامع اصفهان، موزه ادواری شهر شده است. هر یک از حکومت‌های بعد از اسلام در این منطقه، به جمال و عظمت آن افزودند. این مسجد نه تنها از لحاظ

۱. سیدمحمدعلی گلریز (۱۳۳۷)، *مینودر یا باب‌الجنه قزوین*، تهران: دانشگاه، ص ۴۷۵.

۲. محور اصلی بنا، یک زاویه ۵ درجه در جهت جنوب غربی به امتداد شمال مغناطیسی تشکیل می‌دهد.

۳. بعداً صحنی ساخته شد که در گوشه جنوب شرقی آن، مسجد زکریا واقع بود. سپس شبستانی احداث شد که بنای خمارتاش را به این مسجد متصل می‌کرد. شاه طهماسب که قزوین پایتخت‌اش بود، به قدری در مسجد مزبور بناهای تازه احداث کرد که پاره‌ای از مؤلفان او را یکی از مؤسسين مسجد صور می‌دانند.

۴. سیدمحمدعلی گلریز، *مینودر یا باب‌الجنه*، ص ۴۸۳.

عظمت در قزوین چشمگیر و نمایان بوده است، بلکه می‌توان ادعا کرد که در سراسر ایران نیز بی‌همتاست. گنبد باشکوه، مناره‌های مجلل، ایوان‌های بلند، گچ‌بری‌های بی‌بدیل و ساختار آن نشانگر بهترین سبک معماری و هنرمندی عصر سلجوقی و صفوی است.

اینک به معرفی بنیان‌گذاران اصلی هر بخش از این مسجد و کسانی که در تجدید بنا و تعمیرات پیاپی آن سهمی داشته‌اند، می‌پردازیم.

درها و سردرهای مسجد

مسجد جامع کبیر قزوین در سده هفتم ه.ق درهای متعددی داشت، اما پس از حمله مغول، تا دوره صفویه از وضع مسجد و درهای آن اطلاع درستی در دست نیست. اکنون مسجد جامع در مشرق دارای دو در تودرتو و در شمال غرب درب دیگری دارد. درب شرقی که مقابل خیابان شهدا واقع شده است، سردری باشکوه و مجلل دارد که مؤسس آن ناشناخته است، زیرا کتیبه آن ریخته شده و فقط یک سطر آن باقی مانده است که خوانده می‌شود: «برکاری کیخسرو غلام خاصه شریفه، به اتمام رسید.»

کتیبه حاج محمدصالح قزوینی (۱۰۷۴/۱۶۶۳) همانند ایوان جنوبی مسجد از بناهای شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲) بوده و تاریخ بنای آن (۱۰۶۹/۱۶۵۸) است، تاریخ سردر مزبور هم پنج سال پس از تاریخ بنای ایوان است و احتمال دارد که سردر مسجد نیز از بناهای آن پادشاه باشد. پس از صد و هفده سال که سردر مسجد در حال تخریب بود، فردی به نام محمدصادق خان نامی، از مردم قزوین، در سال (۱۱۹۱/۱۷۷۷) به تجدید بنای آن پرداخت و کتیبه‌ای از کاشی در آن نصب کرد که حاوی اشعاری است.^۱

۱. این مسجد جامعی که از حسن مقام از مقتضیات عالم کون و فساد توفیق چو قابلی در این عرصه ندید

پیوسته بود محل فیض رحمان نزدیک رسید آن‌که گردد ویران شد شامل حال میرزا صادق خان



پس از گذشت شصت سال، سردر مزبور مجدداً نیازمند مرمت شد. شاهزاده علی‌نقی میرزای رکن‌الدوله، پسر فتحعلی‌شاه، والی قزوین به سال ۱۲۵۱/۱۸۳۵، آن را مرمت و کتیبه‌ای از سنگ مرمر بر آن نصب کرد که اشعاری با خط نستعلیق ممتاز در آن منقوش بود.^۱ آخرین بار که سردر مزبور رو به ویرانی بود، حاج مهدی معمار قزوینی معروف به «سنمار»، سردر و هشتی آن را با آجرتراش، به صورت مجلل و زیبایی بنا کرد و این رباعی را در کاشی منقوش آن، به رسم کتیبه قرار داد:

این مسجد جامع که بود در قزوین الحق نبود قرینه‌اش روی زمین
که یاس درش خراب شد از بنیان مهدی سنمار ز نو ساخت متین

(۱۹۳۴/۱۳۵۳)

در پشت ایوان غربی (برابر ایوان شرقی) دالان کوتاهی وجود دارد که دری به رواق جنوبی و در دیگری به رواق شرقی آن منتهی می‌شود. یک در هم از شمال به حیاط کوچکی باز می‌شود که در شمال دالان است. بالای این در کوچک‌تر از در شرقی است، کتیبه‌ای از کاشی از نوع معرق، به رنگ لاجوردی به خط نسخ قرار داده‌اند، که در آن آیه ۱۸ از سوره توبه منقوش است.

<p>تسا آن‌که به محمودی اقبال بلند آن خان ملک رفعت حاتم منت یا رب تو به عمر دولتش افزایی گفت از پی تاریخ وی عبدالغفار</p>	<p>احیا کند این بنای عالی بنیان شد باعث محموری این طرفه مکان مادام ز مسجد است و محراب نشان مسجد شاه از جناب خان آبادان (۱۹۱۱)</p>
<p>۱. به عهد دولت دارای جم شوکت محمدشاه خدایو جم خرم فرمانده ملک عجم کار را شهنشاهی که در تسخیر تخت و تاج یار آمد مهین فرزند رکن‌الدوله فخر دو ده خاقان به نام ایزد بنای این در عالی بنا نهاد زهی درگاه مقصوری که، مقصور آمد اندروی از این در چون در آیی کعبه‌ای بینی که اندروی اگر در سجده مسجود گر در طاعت معبود</p>	<p>که از عرش الهش آمده منشور خاقانی مگر بینند در آینه جم بیندش ثانی همش اقبال خاقانی، همش تایید سبحانی بدیع العصر سلطان مورد الطاف خاقانی تعالی‌الله ز چه از مخزن توفیق یزدانی قصور صنعت سنمار طرح فکرت مانی ملک کردار قومی را همه برخاک پیشانی تمناشان نه بینی جز دوام دولت بانسی (۱۲۵۱)</p>

حیاط مسجد

حیاط مسجد به شکل مربع مستطیل، درازای آن از شرق به غرب بوده و مساحت آن متجاوز از چهارهزار متر است. در چهار جهت آن، چهار ایوان مرتفع قرار دارد. ایوان جنوبی بلندتر از ایوان‌های دیگر است. دو مناره زیبا در دو طرف ایوان شمالی، سر به آسمان کشیده است؛ دو گوشواره دو طرف ایوان جنوبی قرار دارد که طاق‌های اشکوب اول را با آجر ساخته‌اند، از نیمه به بالای آن را جای پنجره‌ای گذاشته و روی آن را سفید کرده‌اند. در دو سوی هر ایوان، دو رواق طولانی هست که هر رواق به نام امام جماعت یا پیش‌نمازی بود که سال‌ها در آنجا نماز می‌گذاشت.

در بین رواق‌های جنوبی، دو صفا هست، یکی به نام طاق هارونی که بنای آن منسوب به هارون‌الرشید است و دیگری که طاق احمدیه یا طاق حلاج نام دارد.^۱

ایوان‌های مسجد

همان‌طور که گفته شد، مسجد جامع چهار ایوان دارد. از وضعیت پیشین ایوان شرقی اطلاع درستی در دست نیست. در بین سال‌های ۱۳۱۲/۱۸۹۵-۱۸۹۴ باقرخان سعدالسلطنه، والی وقت قزوین، به دستور و هزینه میرزا علی اصغرخان اتابک آن را نوسازی کرد، ولی روسازی آن انجام نشد و ناقص ماند.

ایوان شمالی

این ایوان با دو مناره باشکوهی که در دو طرف آن قرار دارد، که همچنین با کاشی‌های رنگارنگ آذین شده است، به احتمال زیاد از بناهای شاه طهماسب صفوی است. اغلب بناهای آن زمان دستخوش تغییر شده است و کتیبه‌های آن‌ها از میان رفته و یا با اسامی

۱. سید محمدعلی گلریز، *مینودر یا باب‌الجنه قزوین*، ص ۴۸۹.

مؤسسان جدید مکتوب شده است. این ایوان که قدری از کف حیاط مرتفع‌تر است، دهنه آن حدود ۱۱ متر و عرضش ۱۱/۵ متر است. بنا به گفته مرحوم سیدرضای رضوی، ارتفاع مناره‌ها را حدود ۲۳ نوشته‌اند. دو طرف ایوان، چهارحاشیه دارد که به آیات کریمه قرآنی و احادیث مزین بوده است و هنگام فرمانداری سعدالسلطنه در سال ۱۳۱۲/۱۸۹۵، دو قطعه کاشی معرق با دو جمله منقوش *حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ وَ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ* در آن‌ها از این قسمت جدا و به قیمت گزافی فروخته شده است. اکنون دو قطعه دیگر هست که یکی *الْقُدْرَةَ لِلَّهِ* و دیگری *الشُّكْرَ لِلَّهِ* است (تصویر ۱).

ایوان غربی

این ایوان در مقابل ایوان شرقی واقع شده است که در دو طرف، دو راهروی شمالی و جنوبی دارد، که به هشتی پشت ایوان راه داشته است. درب مسجد اولیه، در طرف غرب این ایوان مسدود بوده است که دلیل آن معلوم نیست. این ایوان هم از آثار دوره صفویه است. از کتیبه آن که به خط نستعلیق در کاشی لاجوردی بوده است، فقط دو بیت آخر آن محفوظ مانده که عبارت است از:

فیضش چو دید افزون ز حد - گفتا به تاریخش خرد - این طاق گل نبود، بود - طاق دل
روشندلان (۱۰۸۱/۱۶۷۰) کتیبه الفقیر کاووس مصور غلام شاه ولایت شریف کاشی‌پز.
از این رو بنای مزبور، در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده و به احتمال زیاد از بناهای همان پادشاه است. دهنه این ایوان ۹ متر و طول آن ۱۲ متر است. از این ایوان یک راه به رواق جنوبی ختم می‌شود و یک ارسی سه‌چشمه هم از ایوان به رواق شمالی باز می‌شود.

ایوان جنوبی

مهم‌ترین و زیباترین ایوان مسجد، ایوان جنوبی است. این ایوان از لحاظ عظمت، بلندی بنا، اسلوب و تزیینات متناسب، از بناهای کم‌نظیر به‌شمار می‌رود. بانی آن شاه عباس

دوم صفوی است که در سال ۱۰۶۹/۱۶۵۸، به اتمام آن موفق شد است. دهانه ایوان ۱۵ متر و عرض آن ۱۳ متر و ارتفاعش ۲۱ تا ۲۲ متر است. ازاره‌های ایوان با سنگ و بقیه با آجر تراش بنا شده است. در فاصله آجرها به جای بندکشی با گچ، کاشی‌های باریک به رنگ لاجوردی به چشم می‌خورد. اسلوب ساختمان ایوان به گونه دو اشکوبه است و اشکوب زیرین به صورت سه‌چشمه در جنوب واقع شده است، که ورودی و خروجی شبستان زیرگنبد به‌شمار می‌رود و دو چشمه هم در شرق و غرب است که به رواق‌های دو طرف گنبد انشعاب می‌یابد. بالای اشکوب اول، مطابق چشمه‌های تحتانی، پنج غرفه فوقانی بنا شده است که راهروی آن‌ها از پلکانی بین دیوار، ایوان و گنبد بوده است، که در حال حاضر مسدود است. بین اشکوب اول و دوم، کتیبه باریکی به خط نستعلیق به رنگ لاجوردی در کاشی لیمویی رنگ وجود دارد^۱ (تصویر ۲).

بالای اشکوب دوم، کتیبه دیگری دیده می‌شود که به خط نسخ عالی است و سوره مبارکه جمعه به رنگ طلایی در کاشی لاجوردی منقوش و آخر آن چنین است: غلام شاه ولایت شریف کاشی‌پز (تصاویر ۳ الی ۸).

۱. «به توفیق حضرت ربانی این بنا فیض اساس آسمان‌نما به فرمان قضا جریان قدرت توامان نواب سپهر کامیاب همایون اعلی برازنده سریر جهان‌بانی فرازنده (ب) (رأیت) کشورستانی اختر برج سعادت و حشمت گوهر درج جلال و عظمت سوزنده خرمن ظلم و فساد فروزنده چراغ عدل و داد فارس معنای سروری حارس مذهب حق جعفری، بدر منیر زمین و زمان و ابرمطیر جود و احسان شکننده پشت مخالفان دین مبین و برهم زننده قاطعان طریق سیدالمرسلین، مفتاح ابواب شاهنشاهی زیننده، القاب مستطاب ظل الهی کحل الجواهر دیده اصناف بنی‌آدم مولی ملوک العرب و العجم السلطان‌بن السلطان‌بن الخاقان‌بن الخاقان مؤید به تأییدات سبحانی ابوالمظفر شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی الثانی خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین عدله و احسانه مطابق سنه تسع و ستین و الف من الهجرة النبویه علیه افضل التحیه به انجام رسید - الهی پیوسته این مقام مجمع عباد و مؤمنان و منبت بخیل دعوات اجابت قرین بوده اثمار آثار آن حلاوت‌بخش کام عمر دولت و اقبال آن صاحبقران فرخ‌فال و آن سایه حضرت ذوالجلال و آن مطاع و ملجای مغلوب و غالب و آن نهال برومند حدیقه علی‌بن ابی‌طالب باد به محمد و آله الی مجاد. کتیبه العبد المذنب کاووس نقاش غفرله ذوبه مشقه حاجی محمد صالح مذهب قزوینی سنه ۱۰۶۹.

در قسمت جنوبی ایوان سه‌چشمه، راهرویی هست که ورودی و خروجی شبستان (گنبدخانه) زیرگنبد به‌شمار می‌آید و همچنین دو ستون عظیم دارد که قطر هر یک ۹۵/۵ سانتی‌متر است. در جبهه هریک از ستون‌ها، لوحه‌هایی از سنگ‌های مرمر صیقلی نصب شده که سطور آن نیز به خط نستعلیق نوشته شده است (تصویر ۹).

لوحه دست راست که عبارت است از هشت قطعه سنگ مرمر، در زمان شاه سلیمان صفوی و به فرمان او ساخته شده و تاریخ آن سال ۱۰۸۱/۱۶۷۰ است^۱ (تصویر ۱۰).

۱. العادل الباذل - خالقی را گزارش سپاس که هرساله شاهین میزان را در استوای وزن لیل و نهار به مصداق کریمه «ان الله بامر بالعدل و الاحسان» در پنجه تعدیل آفتاب منیر انتصاب فرمود درود صاحب شریعتی را که معامل ایجاد به‌صلای جان‌فزای لولاک لما خلقت الافلاک صاع بیمی را در چار سوق عناصر با عید خریداری شفاعتش گشود علیه و آله و اهل بینه صلوات الله و سلامه سیما علی ابن عمه و نفسه و طهره و طهره امیرالمؤمنین و امام المتقین علیه افضل الصلوات. اما بعد، غرض از تسطیر و تصویر این سطور این است که در معامله پیچی نبلی (پیچین نیل) سال سابق نصیب آقا و غیره و قورچیان دیوان اعلی به عرض نموده‌اند که قپانداری دارالسلطنه قزوین ابوابجمع نیست و به مبلغ پانزده تومان تبریزی به همه ساله ایشان مقرر شده بود واز ابتدا سنه مذکوره بر طبق عرض بقالان و کاروانسراداران دارالسلطنه مزبور پروانچه شریف نواب خاقان جمجاه فلک بارگاه خلد آشیان فردوس مکان مورخ به تاریخ شهر شعبان‌العظیم سنه ۱۰۴۸ عزا اصدار یافته که چون به عرض رسید که در دارالسلطنه قزوین هرگز قپانداری معمول و متعارف نبوده و رسم محدث و بدعت است و استدعا نمودند که رسم محدث معمول نگردد و کلانتران سابق دارالسلطنه مزبوره تصدیق نموده که در ایام جلوس نواب گیتی ستان که مرحوم سلمان‌خان وزیر و داروغه و متصدی دارالسلطنه مزبوره بوده و چه مزبور را شخصی اجاره نموده بود وزیر مزبور مشارالیه را دخل نداده محضری در دست داشته، به دیوان اعلی فرستاده دیوانیان به حقیقت رسیده؛ چون رسم محدث بود، اجاره مذکور را بر طرف نموده و وزیر و کلانتر حال به شرح فوق عرض نموده‌اند. بنابراین مقرر فرمودیم که مستوفیان عظام وجه مزبور را از دفاتر اخراج نموده من بعد یک دینار حواله و اطلاق نمایند. به‌عهده حاکم و وزیر و کلانتر که امداد حسایی نموده، هرساله حکم مجدد طلب ندارند و در معامله هذه السنه ایت نیل مطابق ۱۰۸۱ که کمترین بندگان درگاه خلایق پناه سپهر دستگاه عرش اشتباه عباس قلی زنجنه (معرب زنگنه یا رنجنه) دست از پی برده بعد از تحقیق و تشخیص ظاهر و محقق کردند که از تاریخ غرو رود حکم جهان مطاع آفتاب شعاع الی آلان جماعت بقالان و کیلان میدان و محلات و قپان‌داران و کاروانسراداران دارالسلطنه مذبوره از هروقری (باری) غله و سایر حیوب که یوزن در می‌آورده‌اند از هر شستری مبلغ چهل دینار والاغی بیست دینار و پنجاه دینار و هشتاد دینار کمابیش به‌علت قپانداری و هوایی می‌گرفته‌اند و

←

لوحه دست چپ مربوط به زمان فتحعلی شاه و فرمانداری علی نقی میرزای رکن الدوله بوده که به نیابت برادر خود، فرمانداری قزوین را عهده دار بوده است^۱ (تصویر ۱۱).

هرساله مبلغ کلی به عمل می آورده اند بعد از آنکه همگی حضرات اهالی شرع شریف و عمال خجسته اعمال و اعیان و کدخدایان اجلاس و جماعت بقالان و کیلان و کاروان سراداران و سایر ارباب میزان جمعیت نمودند قرار یافت که چون وجه قیابنداری از دیوان اعلی به تخفیف و تصدیق مقرر شده بود که موجب رفاهیت رعایا و برایا و ضعفا و مساکین و برطرف شدن بدعت و رسم محدث بوده باشد و جماعت اشرا کیلان و غیره مذکوران فوق در لباس مذکوره مبلغ های خطیر از رعایا و مساکین می گرفته اند من بعد ایوم جماعت مذکوره از هر و قری شتری غله و سایر حبوبات که یکصد من تبریز بوده باشد مبلغ ده دینار قیابنداری از مشتری و از روغن و خرما و سایر اجناس مبلغ پنج دینار قیابنداری و بیست دینار به علت هوایی از خریدار و فروشنده بالمناصفه بازیافت نمایند و از اجناس مذکوره سیما از روغن و انگور و غیره چیزی بحس (بچش) که در اصطلاح چاشنی گویند بپردازند و متعرض حال ضعفا و مساکین نشده بگذارند که به دعاگویی دوام دولت ابدمدت ولی نعمت عالم و عالمیان اشتغال نمایند و اگر برخلاف مسطور عمل نمایند به غضب و سخط الهی و نفرین حضرت رسالت پناهی و حضرات ائمه طاهرین گرفتار گشته مرد و دو مغضوب ابدی بوده باشند و نیز در این باب از همگی جماعت مذکوره فوق التزام بازیافت شده که هرگاه خلاف مسطور ظاهر شود و احدی از ایشان یک دینار اضافه طمع نموده باشد. مبلغ دوازده تومان به حاکم دار السلطنه قزوین دادنی باشد و بمافیہ الاجلاس و کان ذلک فی شهر ربیع الاول سنه ۱۰۸۱.

۱. به عهد دولت فتح علی شهنشاه دهر	پناه ملت دین افتخار تاج و نگین
علی نقی شه عادل که مسجد و منبر	ازو نظام پذیرفت هم چو ملت و دین
چو یافت رخصت نهضت ز شهریار بزرگ	به فرم نظم خراسان ز خطه ی قزوین
ز عدل فال و فرشه امام و یسردی انک	گزین برادرش این بوم و برگزید امین
پی دعای شهنشاه شاه والاجاه	که آفرین به نژاد وی از کهین و مهین
ز دود دوده ی بدعت سترد ظلمت ظلم	چوبت زکعبه و کفر از جهان رسول امین
نگاشت حکم رفیع و رساند ذکر دعاش	به عرش مایل و آمین سرود روح الامین

چون مدت زمانی بود که ساحت دارالسلطنه قزوین به فرقدوم میمنت لزوم نواب کامیاب شاهزاده والا گهر نامدار صاحب بلند اختر عالی مقدار علی نقی میرزا غیرت بهشت برین گشته سحاب عطوفت و آفتاب رحمتش در شهر و بلوکات ریزان و تابان است هریک از اهل این بلد از نیک و بد به مقتضای قابلیت فطری که در جبلت ایشان کمون داشت از فیض تربیت مبارکشان رموز خدمت آموختند و کنوز قدمت اندوختند مصدر خدمات لایقه شدند و مرجوع گفته های شایعه شدند هرگونه خدمات شایق و بین الامثال سابق گشتند. به مکافات و تلافی خدمات چندین ساله مورد و مستحق رفاهیت گردیده بنا بر عدل و داد نواب والا صاحب نیکونهاد را رأی مبارک و میل

شبستان^۱ معروف به طاق جعفری

تاریخ بنای اولیه و اصلی گنبد و بانی آن، پیش از آنکه به صورت مسجد درآید، معلوم نیست. از نظر باستان‌شناسان، این بنا از بناهای دوره سامانیان بوده است. اسلوب بنا نیز نشان می‌دهد که بقعه نام‌برده از پیش آتشکده بوده و چنان‌که مشهور است، در زمان

اشراف مایل به ظهور آسایش خلق و به استحصال دعای خیر به جهت دوام و بقای عمر و دولت جاوید مدت همیون پادشاه جمجاه ظل‌الله روحی و من یروح فداه توفیق جسته مقصود آن مطلوب چنان بود که درخت هرگونه مفاسد که سایه آن باعث توحش و تزلزل عباد است برافکننده و بن و بیخ آن به نیروی بازوی همت رفیعتشان برکنده شده نام نیک‌شان به یادگار ماند چنانچه بعد از نهضت نواب معظم‌الیه به سمت خراسان که حسب‌الامر قبله عالم و عالمیان قامت اعتبار ما به طراز فرمانفرمایی و حکمرانی این ولایت منظور و نظم مهمات این صفحات به نیابت برادر والاگهر به کف کفایت و کفالت ما مرجوع آمد ما نیز تاسی به کردار و رفتار صاحب نامدار فرمودیم و حسب‌الامر نواب معظم‌الیه در مقام استرفاه اهل این بلد از نیک و بد برآمده عموم سکنه محلات مزبور را از هرگونه تحمیلات دیوانی که از روی بینچه در عهد قدیم مخترع بود از تاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۳۸ و ما بعد معاف و به امتثال امر نواب صاحب کامیاب به قید لعنت‌نامه ابدی مرفوع‌القلم فرمودیم که دیگر مابعدها از مباشران سرکاری و مملکتی و کدخدایان محلات اعم از حواله نقدی یا صادر و وارد ولایتی از مقوله هنگام ورود اردوی شاهی و خروج میهمانی و متروودین و نزول میهمان و مطالبه فروش و اوانی و ظروف و عمله و کشیک عمارت و بر خررجی و تحمیلات باغبانان باغات عمارات سرکاری و خانه نزول به علت کروی بای شی‌ای کان به هراسم و رسم که در محلات معمول می‌داشته اند موقوف قلم و قدم را از حوالجات مرفوع دارند مقرر آن‌که عالی‌جاه رفیع جایگاه مجدت و نجدت همراه مقرب‌الخاقان میرزا بزرگ و زیرسرکار و عالیجاهان مستوفیان و مباشران سرکاری و کلانتر و عمال خجسته اعمال و کدخدایان و رئیس سفیدان و قاطبه سکنه قزوین مضمون حکم محکم مطاع را به گوش عبودیت نبوش اصقاع و ثبت دفاتر خلود کرده از شایبه تغییر مصون و تخلف از حکم والا را موجب تنافی رأی والا و باعث غضب و نفرین و لعنت ابدی و عدم رضای خالق بی‌چون دانسته در هیچ عصری از اعصار به نقض این قرارداد لعن و توییخ دنیوی و اخروی را بر خود نه پسندیده و در عهد شناسند تحریرا فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۳۸ قد اتفق علماء الشیعه بل جمیع الفرق و الملل علی ان بانی هذه البناء الخیر فی جوار الله و رحمه و مبدلیه و مخربیه کالابلیس المرود فی لعنه الله و ملائکته و کتبه و رسله - حرره محمد المتولی المتخلص بمایل (سیدمحمدعلی گلریز، مینودر یا باب‌الجنه قزوین، صص ۴۹۹-۴۹۸ و ۵۰۱-۵۰۰).

۱. شبستان مقصوره نیست. مقصوره جایی برای قدرتمندان بود. امکان داشت مساجد مقصوره داشته باشند، اما حتماً شبستان دارند.

عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۷۱۹/۱۰۱-۷۱۷) به مسجد تبدیل شد. طی دوران متفاوت، حاکمانی همچون هارون الرشید و وزیر فخرالدین دیلمی، مرمت، احداث و تکمیل بنای مذکور را انجام دادند، تا اینکه در شوال سال ۵۰۰/۱۱۰۶ امیر زاهد خمارتاش بن عبدالله عمادی، ساخت مقصوره بزرگ، گنبد، صحن، مدرسه و خانقاه این مسجد را آغاز کرد و در رجب سال ۱۱۱۵/۵۰۹ که در کتیبه دیگری ۱۱۱۴/۵۰۸ قید شده است، بناهای مزبور را به پایان رساند و خطیب به این جامع انتقال یافت. وی دیه‌ها و مستغلاتی نیز وقف این بناها کرد که در برخی از کتیبه‌های مقصوره مسجد ذکر شده است. همچنین سراچه (پیش‌سرا) جداگانه دیگری رو به قبله بنا کرد که در آن، مجلس تفسیر و حدیث منعقد می‌شد و در سال ۵۴۸/۱۱۵۲ عمارت آن به پایان رسید. این بنا با حمله مغول، در هفتم شعبان سال ۱۲۲۰/۶۱۷ دستخوش ویرانی‌هایی شد که شرح کامل آن در کتاب *ظفرنامه*، اثر حمدالله مستوفی منظور شده است.

شکل گنبد که در کتیبه‌های شبستان به قبه از آن یاد شده است، به گفته صاحب آثارالبلاد، بطیخی است، یعنی فرم خریزه‌ای دارد. گنبد مزبور بسیار عظیم و مرتفع است؛ روسازی زمینه آن از کاشی لاجوردی بوده و با کاشی‌های رنگارنگ زینت یافته است (تصویر ۱۲). مساحت هر ضلع گنبد ۹ متر، محیط آن ۵۵ و ارتفاعش از کف مقصوره تا نوک، بالغ بر ۴۶ متر و تا زیرطاق در حدود ۳۱ متر است. طبق بررسی پی‌های دیوار مقصوره برای مرمت، بالغ بر ۶۱ متر است. مساحت مربع طاق جعفری نیز ۹۷ مترمربع می‌شود. از مقصوره مزبور دو راهرو، هریک به عرض ۴ متر به رواق‌های دو طرف می‌رود. همچنین در دیوار شرقی، دو ارسی سه‌چشمه و نیز در دیوار غربی یک ارسی سه‌چشمه دیده می‌شود که به رواق‌های شرقی و غربی باز می‌شود.

در وسط دیوار جنوبی شبستان، محرابی وجود دارد که از سنگ‌های مرمر صیقلی و شفاف، بنا و به کاشی‌های رنگارنگ مزین شده است. یک قطعه از مرمرهای منصوب در

وسط محراب چنان شفاف است که هنگام تابش خورشید، از پشت محراب مانند چراغی روشن است. در جبهه محراب، کتیبه مختصری است که به دستور شاهزاده علی نقی میرزای رکن‌الدوله در سال ۱۸۲۲/۱۲۳۸ با خط نستعلیق در متن ساروجی گچ‌بری شده است. ظاهراً در سال مذکور، به دست همین شاهزاده در این محراب تعمیراتی شده است که رباعی زیر اثر شیخ محمد مایل، متولی مسجد، مبین تاریخ آن است.

این کعبه امر شه با تاج و نگین شهزاده علی نقی چو بگرفت آیین
مایل چه ملک به سجده تاریخش گفت از همت شه به پای شد کعبه دین

(۱۸۲۱/۱۲۳۸)^۱

کتیبه‌نگاری در شبستان مسجد جامع

قبل از بازخوانی و توضیح مجموعه کتیبه‌های باقی‌مانده در شبستان جامع، لازم است به تعریف کتیبه و هدف بهره‌گیری معماران و هنرمندان کتیبه‌نگار از این فن اشاره شود. در **فرهنگ نفیسی**، کتیبه این‌چنین معنا می‌شود: «مأخوذ از تازی به خط جلی، نسخ و یا نستعلیق و یا به خط طغری و یا به خط کوفی بر دوره مساجد، مقابر، اماکن متبرکه و سردر دروازه امرا و بزرگان نویسند و یا نقش کنند و کتابه نیز گویند»^۲ و به اصطلاح، نوشته‌ای است به خط درشت که آن را از کاغذ بر صفحه‌بندی کاشی‌ها یا سنگ انتقال داده و منقور و منقوش می‌کنند. مضمون کتیبه‌ها که در بناهای ایران فراوان است، شامل آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و ائمه اطهار، شعر، تاریخ بناها، وقف‌نامه‌ها، دستورات حکومتی و امثال آن است.

۱. سیدمحمدعلی گلریز، **مینودر یا باب‌الجنه قزوین**، ص ۵۰۵.

۲. علی‌اکبر نفیسی (ناظم‌الاطباء) (۱۳۴۳)، **فرهنگ نفیسی**، تهران: کتاب‌فروشی خیام، ج ۴، ص ۶۳-۲۷.

هدف از خلق چنین کتیبه‌هایی با چنین مضامین مقدسی در جایگاه بلند مساجد، تکایا و بقاع متبرکه، این است که روح مؤمنان با کلام خدا در ارتباط باشد؛ در حقیقت معرف واکنش روح عرفانی هنرمند مسلمان به پیام‌ها و دستورات الهی بوده است. چنان‌که براساس یک گفته قدیمی اسلامی «خوش‌نویسی، هندسه روح است». حروف، کلمات و آیات قرآن صرفاً عناصری از زبان مکتوب نیست، بلکه دارای وجود و شخصیت است و قالب خوشنویسی، مظروف مادی و بصری آن‌هاست. به‌کارگیری خط و خوشنویسی در مساجد ضمن تلطیف و تحسین فضا، رواق‌ها، شبستان‌ها و داخل و خارج بنای مساجد، اشاره به این معناست که همه موجودات خاکی و افلاکی، در تمامی لحظات، تسبیح‌گوی ذات اقدس‌اند؛ همان‌طور که خداوند در آیه ۱ سوره حشر می‌فرماید: *يُسَبِّحُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...*. این آیه به وضوح بر واقعیت تسبیح‌گو بودن تمامی عناصر طبیعت و موجودات صحه می‌گذارد و ما را در درک این واقعیت یاری می‌رساند.

اهمیت طاق یا شبستان خمارتاشی، گذشته از بلندی بنا، به کتیبه‌های نادری است که این بقعه معظم را در شمار یکی از آثار مهم دوران باستانی قرار داده است. در این گنبد پنج نوع کتیبه با نهایت ظرافت و زیبایی گچ‌بری شده است.

بحث پیرامون این واقعیت الهی، بسیار فراوان و از محدوده این مقاله خارج است؛ اما آنچه که در اینجا بدان پرداخته می‌شود، درج متون فارسی یا عربی کتیبه‌های مسجدجامع است؛ از جمله نوع خط، روش اجرا و مفاهیم کتیبه‌ها که به شرح ذیل بیان می‌شود:

کتیبه کوفی مسجد

خط کوفی به‌کاررفته در کتیبه مسجدجامع قزوین از انواع مورق است که عرض آن ۶۸ سانتی‌متر و حاشیه خطی بالا و پایین آن، به قطر ۲ سانتی‌متر است، که به طرز بدیع و ظریف گچ‌بری شده و نمونه‌ای از شاهکارهای هنری است.^۱

۱. منبع شماره ۵

این کتیبه در ضلع غربی، پایین‌تر از کتیبه نخستین، آغاز می‌شود و از طول دیوار غربی تا مقداری از دیوار جنوبی امتداد می‌یابد. این کتیبه یک ردیفه، سه ضلع مربع دیوار شبستان را در بر می‌گیرد. دنباله کتیبه بعد از کلمه (عَقُودَهَا) به صورت یک کتیبه دو ردیفه با کلمه «وَسَجَلَاتَهَا» آغاز شده و تا پایان کتیبه ادامه یافته است.

در ضلع شمالی به واسطه گذرگاه ایوان به گنبد، چند متر بریدگی وجود دارد؛ مجدداً از شرق شروع می‌شود و تا انتهای دیوار شرقی ادامه می‌یابد. در دو طرف این بریدگی، خطوط ریزتر و هر دو طرف، دو ردیف (دو سطر) دارد و به عرض ۳۴ سانتی‌متر می‌رسد و در نهایت جمع عرض کتیبه در دو سطر ۶۸ سانتی‌متر است. این قسمت دارای سه حاشیه خطی جمعاً به عرض ۶ سانتی‌متر است. چند قسمت مختصراً ریخته شده است، ولی بقیه سالم مانده است و هیچ کلمه ناخوانایی نیز ندارد.

متن فارسی کتیبه

خدای والا گفته است خوبی‌هایی که برای خود پیشاپیش می‌فرستید، آن‌ها را نزد خدا خواهید یافت و آن از پاداش‌های دیگر بهتر است. خمارتاش، پسر عبدالله می‌گوید:

«وقف نمودم بر این گنبد و مدرسه متصل بدان سه ربع قریه هراس آباد و ۱۵ سهم از قریه جبوران و همه بستان جیلان (جیلان) و بستان‌های امامان در راه جوسق (کوشک) و تاک‌های گسترده در راه دو طرف رود ابهر و پایین آن که مشتمل است بر هجده بستان و یک سهم از دو سهم آسیای معروف به قاسمان با دو بیشه‌ای که در اطراف آن است و در دوره ذیزج واقع شده و همه آسیاب‌های قزوین ... وقف صحیح بر طبق عقدنامه».

متن عربی کتیبه

«بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى و ما تقدموا لا انفسكم من خير تجدوه و عندالله هو خير و اعظم اجرا -
بقول خمارتاش بن عبدالله وفتت على هذه القبه و المدرسه الملاصفه لها ثلاثه ارباع
قريه هراس آباد و خمسه عشر سهماً من قريه جبوران و جميع بستان جيلاز (جيلان)
و جميع بستان امامان بطريق الجوسق و جميع الكروم واسطه بطرف (بطريق) نهر ابهر و
مادونه و يشتمل على ثمانيه عشر بستاناً و سهماً واحداً من سهمين من جميع الرحي
المعروفه بقاسمان مع جميع الغيظين اللتين بخلفهما و هى على وادى ديزج و جميع
الحوانيت التى بقزوين تكاد و مع الا... وقفاً صحيحاً على ما تنطق به عقودها...»

کتبیه اول

به خط ثلث و قلم درشت به صورت محرابی از بالای محراب (ضلع جنوبی) شروع و به
هشت ضلع ساقه گنبد گچ بری انتقال می یابد. عرض کتیبه حدود ۴۰ سانتی متر و بدون
تزیینات درونی است و دور دیوارهای شبستان به صورت زیبایی تکرار شده است.^۱

۱. بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين و الصلوه على نبيه محمد سيد المرسلين و امام المتقين و رسول رب
العالمين الى الخلق اجمعين و رحمه الله على منيع الافتخار و معدين الوقار و علم المهاجر و الانصار علم اتبع الاعلى به و
من آمن لله و العلاء و اعلى جو والا و سرو الاسرار ثم على الشيخ المعمر و الامير المنور على نور ناظلمما يوم الدارين على
امير المؤمنين و امام المسلمين و ابن عم رسول و زوج البتول ابى الحسين مظهر العجائب و مظهر الغرائب الشهاب الناقب
و غالب كل غالب و نقطه دايه المطالب على بن ابى طالب تعيينه فى ايام دوله (يوله) الملك العادل السلطان
المعظم مالك العرب و العجم عماد الدنيا (غياث) والدين ابى شجاع محمد بن ملكشاه قسيم امير المؤمنين (اعزه) امرالله
لعزته و اعلى فى الاقدار قدره و فى ولايه الامير الاسفسلار مجد الدين اتبع الوصى الا بالله عليكم و لله (استقاطى) اللعوس
(۱) بن بوران نصر (۲) امير المومنين پناه الدنيا والدين و قد اجرى الله (تبارك) تعالى. ذلك على يد الامير الموفق
لمرضين الافعال المجاهد فى الله ابومنصور خمارتاش بن عبدالله عمادى ابتغاء لمرضات الله و طلباً لثوابه و هرباً فى اليم
←

مضامین کتیبه اول

ابتدای متن در خصوص مناقب و ویژگی‌های روحی حضرت ختمی مرتبت و امام علی(ع) است و سپس از ملک‌شاه سلجوقی در حکم ناظر بر اوامر و نواهی خداوند یاد می‌کند. ابومنصور خمارتاش، حاکم شهر قزوین را نیز مجاهد در کسب رضایت خداوند معرفی می‌کند و بنای ساخته شده به دستور او را با قید تاریخ ۷۰۰/۱۰۶ به مدت ۹ سال منظور می‌کند. این کتیبه به آیات قرآنی مزین است که در داخل گیومه مشخص شده و اعراب دارد.

کتیبه دوم

این کتیبه به خط کوفی جلی و بسیار زیبا که عرض آن در حدود ۰/۵ متر است و با طرزی بدیع و اسلوبی ظریف گچ‌بری شده است؛ نمونه‌ای از شاهکارهای هنرهای زیبا که هم‌تای آن در سراسر ایران معدود است. این کتیبه از ضلع غربی پایین‌تر از کتیبه نخستین آغاز شده و از طول دیوار غربی تا مقداری از دیوار جنوبی امتداد می‌یابد. در این قسمت، جلوی محراب چند متر قطع شده است و ادامه آن از سمت شرق محراب و تا انتهای دیوار شرقی ادامه می‌یابد. در دیوار شمالی قسمت وسط که معبر ایوان به گنبد است، فاصله‌ای در کتابت کتیبه افتاده و در دو طرف این بریدگی، خطوط ریزتر شده است. در هر طرف، سه سطر به صورت گچ‌بری نگارش یافته است و سرانجام کتیبه در انتهای ضلع شمالی به پایان می‌رسد. از این کتیبه دو قسمت مختصر ریخته و از بین رفته است، اما بقیه سالم است. البته

عذابه و وسل عقابه و متسارعا الی مغفرة ربه و جنه عرضها السموات و الارض اعدت للمتقين فی مدة تسع سنين اوله شهور سنه خمسمائه و آخرها انها سنه ثمان و خمسمائه و هو بحمدالله علی ذلک حق حمده و نشکره و کفأ شکره و یتقول «هذا من فضل ربي ليبلوني» أشكرهم أكفرو من شكر فأنما يشكر لنفسه و من كفر فإن ربي غني كريم» و نسئل الله ان يجعل ذلک خالصاً لوجه و تغمده برحمته و لا يتناقشه فی محاسبه و يجعل من الذين يتو فيهم الملائكة طبيين يقولون «سلام عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعلمون» و رحم الله من نظرفي يوم لغده قبل خروج الامر من يده فانه لا بد منقولاً من الدنيا الی الاخره.

(۱) شاید این کلمه اللقفست بن توران یا پوران باشد. (۲) شاید نصیر باشد.

هیچ کلمه ناخوانایی در آن وجود ندارد^۱ (تصویر ۱۳).

در این کتیبه، با ذکر این آیه قرآنی که مضمون آن درباره کار نیک بوده و این حقیقت که اجر و پاداش آن در نزد خداوند است، موقوفات خمارتاش به مسجد جامع بیان می‌شود. مواردی همچون باغات، نهرها، قنات‌ها، آبادی‌ها و مناطق اطراف قزوین از موقوفات مسجد جامع است.

کتیبه سوم

این کتیبه به خط کوفی بر زمینه‌ای ماریچ و گلدسته‌مانند قرار دارد که از شرق محراب آغاز و در غرب آن پایان می‌یابد و شامل کل آیات سوره مبارکه بقره است که خط آن از حیث ظرافت و زیبایی، از نوادر صنعت خط به‌شمار می‌آید (تصویر ۱۴).

کتیبه چهارم

این کتیبه به خط نسخ - ثلث است که از جانب شرقی محراب شروع و در انتهای ضلع شمالی پایان می‌یابد و شرح موقوفاتی است که خلد آشیان خمارتاش بن عبدالله رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ از خود باقی گذارده و موارد مصرف آن‌ها را نیز معین کرده است.^۲

۱. «بسم الله الرحمن الرحيم - قال الله تعالى و ما تُقَدِّمُوا لَانفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا» - يقول خمارتاش بن عبدالله وقت علی هذه القبه و المدرسة الملاصقه بها ثلثة ارباع قرية هراس آباد و خمسة عشر سهماً من قرية جيوران و جميع بستان جيلاز (جيلان) و جميع بستان امامان بطريق الجوسق و جميع الكروم الباسطه بطرف (بطريق) نهرها و مادونه و يشتمل على ثمانية عشر بستانات و سهما واحد امن سهمين من جميع الرحي المعروفه بقاسمان مع جميع الغيظين اللتين يخلفها و هي على وادي ديزج و جميع الحوانيت التي بقزوين و قفا صحبا على ماينطق به عقودها و سجلاتها و وقتت على مساكين مدينة النبي (ص) سته عشر سهما من سهام قرية ملولان و وقتت على الفتاهي الخمارتاش على ما ينطق به العقود شربا نظما و جريا المتنوع في ديوان السلطان و غرض في هذا الكتابه قطع [ريخته شده] على هذه المدرسه ايضا سهما واحدا من سهمين من كروم البستان [ريخته شده] عليها و على مدرستها سهمين و نصف و ليس لاحد تغييرها و تبديلها فمن ذلك فعليه لغنة الله و الملائكة و الناس اجمعين».

۲. عين متن کتیبه مزبور چنین است: بسم الله الرحمن الرحيم - هذا من فضل ربي ليبلوتني اشكرام اكفر و من شكر فانما يشكر لنفسه و من كفر فان ربي غني كريم - يقول العبد الضعيف الفقير الى رحمة الله خمارتاش بن عبدالله العمادي

مضمون کتیبه با نام خدا و آیه مشهور شکرگزاری بنده از نعمات الهی شروع می‌شود و سپس اقدامات خیر والی قزوین، خمارتاش بن عبدالله، شرح داده می‌شود. موقوفاتی از قبیل بناها، عمارات، اراضی و آبادی‌های منطقه قزوین نام برده می‌شود و

اعطاء الله مسؤله و بلغه فی الدارین مأموله وقت و تصدقت علی الدویره امرت (به) بناها و عمارتها بمکه حاماها الله من المافات فی حرم الله تعالی بخمسه و عشرین (ستین) سهماً من قریه تدعی به ششین [اکنون این آبادی را که جشن معروف بود سلطان آباد می‌گویند] و تصدقت ایضا بالکروم التی هی فی ایدی السكان بها و غیرهم علی التفصیل المكتوب فی السجل الناطق بالوقفیه و السهم سهام [و سکانها من اهل التصوف] اهل التصوف الذین تأدیو بأداب الله تعالی الاخیار منهم و الابرار المتقین به جمیع اثین و عشرین [اثنی و عشرین] سهماً من سهام قریه تدعی بصا مغان و به جمیع المراضی اللوای [اللواتی] فی ید الخطیب ابی طاهر و بعرف باکارسه [باکاریه] و به جمیع المراضی المعروفات باکارسه [باکاریه] (ناحیه و لسکری) و تصدقت ایضا به جمیع خمسه عشر سهماً من سهام قریه تدعی باروچین [باروچین (مولان)] و تصدقت ایضا بخمسه عشر سهام القریه الموعوه بششین و تصدقت ایضاً بنصف جمیع الریحی المعروفه ی بقاسمان التی هی علی وادی دیزج و تصدقت ایضاً بجمیع اثنی عشره بستانات اکرام بقزوین یعرف بدسکه [سبسیکه] ممایلی النهدا الذی یجری فی الماء الی البستان منها اربع قطاع علی یمین الداخل فی البستان من مجری الماء قطعته منها بعرف بکار درده [وَرْدَه] و ثلاث قطاع متصله بها و علی شمال الداخل فی البستان فی من مجری الماء اربع قطاع ممایلی البستان المعروف به [دهخدا] بالدهخدا محمد الزینقی [الزینقی] قطعته منها یعرف [یزیر چوب لیه] (یزرجون) و تصدقت (ایضاً بسهم واحد و واحد) ایضاً بكل عشره سهام من سهام واحد [افتاده] من سهام القریه المدعوه بجیوران علی البترا الذی امرت بحفره فی هذا القریه و علی عمارته و عمار بیت البئر و علی عمارت المسجد الذی هو فوق - هذا لبیت و علی المتولی السقی الماء فی لیصرف فاضل دخل هذه الصدقه الی ثمن الدلو و الرسنا و الكده (کده اسقاطی) و الشرب (ظرف آبخوری) و الکیزات (دمه آهنگری) و آلات المحتاجه الیها و قد امرت المنولی بالدویره التی ینسبها علی باب الجامع العتیق التی ینسبها علی باب الجامع العتیق الصوفیه و المضیت الیه و (افضیت) ان یشتری [ثلاثه بقور] ثلث من البقور السلیمان فی الشهور الثلثه رجب و شعبان و رمضان و یذبح فی کل شهر بقره و یتصدق بلحومها علی الفقراء و المساکین و الارامل و یتصدق مع کل واحد من البقور اکف رغیف واحد علی الفقراء حسب ماجرت عادتی فی حال حیوتی وقت بجمع ذلك وفقاً صحیحاً شرعياً موبداً بالشروط المذكوره فی عقود الوقفیه ابتغاء لمرضات الله و طلباً لتوابه و هو بالعقابه فلا یحل للوالی و لا الظالم و لا المنقلب و لا غیرهم تبدیل و تغییره فمن فعل ذلك فعليه لعنة الله و الملائکه و الناس اجمعین و اجرا لواقف علی الله تعالی و قد عهد الواقف المتصدق بهذه الصدقات عهداً الی الله و میثاقه الی کل قیوم و متولی بقوم بامر هذه الاوقاف و المواضع المذكوره فی من المقصوره و المدرسه و الخانقاهات و القنات و اهل الحرم و غیرها موجداً من الله تعالی من عشرو توابع علی ما قال الله تعالی و آتو حقه یوم (یوم حصاده) فما فضل من ذلك یبدء بعمارته المحتاجه الیها فما زاد علیها یصرفها الی الوجوه المذكوره فی عقود الوقفیه فرحم الله امرأ نظر فی الآثار خمارتاش بن عبدالله و دعا له بالفرو المغفره و الرحمه و الرضوان لیغفرله.

چاه‌ها و قنات‌های حفرشده در خانه‌ها و عمارت مسجد و نحوه مصرف آب و چگونگی اداره قنات مسجد جامع توضیح داده می‌شود. توزیع قربانی برای خمارتاش، در سه ماه رمضان، رجب و شعبان از متون این کتیبه است.

کتیبه پنجم

این کتیبه به خط نسخ و کوفی است که از ضلع غربی، شروع و در آخر همان ضلع پایان می‌یابد و درباره وقف‌نامه و شرح تقسیم آب خمارتاش است. این کتیبه در بالای کتیبه چهارم قرار دارد و بدون تزیینات خاصی از نوع کوفی مزهر ترکیب‌بندی شده است که در نوع خود کم‌نظیر است.^۱ چگونگی تقسیم آب قنات مسجد جامع بین اهالی قزوین از مضامین این کتیبه است.

نتیجه

۱. مطالعه و بررسی مسجد جامع قزوین از جوانب مختلف دارای اهمیت و قابل تأمل است. مطالعه آن مانند پرده‌برداری از یک موزه و گنجینه پابرجا و ماندگار از دوران اسلامی، سده‌های اول اسلامی تا دوره قاجاریه، محسوب می‌شود. معماران می‌توانند در مورد طرح، فضاسازی و سیر تحول معماری و مصالح، بدان پردازند. کارشناسان تاریخ اجتماعی می‌توانند با مطالعه مفاد کتیبه‌ها به روابط اجتماعی حاکم و رعیت و علاقه‌ها و اعتقادات آن

۱. «بسم الله الرحمن الرحيم - يقول العبد الضعیف المستظهر بعبور به خمارتاش بن عبدالله ماء القنات الخمار تاشیه جعلته قسمتاً بین اهل القزوین فربعه لاهل طریق ابهر یاخذون حظهم من رأس سکه شریح و سد سه لاهل رستق القطن (القطب) یاخذون شربهم من رأس دیوکنه [دوکنه] و ربعه لاهل المدینه العتیقه یاخذون نصیبهم من موضعین من رأس سکه الا کافیر [الاکافین] عند المسجد و من باب الجامع العتیق النافذ الی رستق الصباغه فلایحل لاحد تغییر هذه الجملة فمن فعل ذلك فعليه لعنة الله و الملائکه و الناس اجمعین فرحمه الله من دعا له بالمغفرة و لمن قال آمین المدة وان طالت قصیره و الماصی للمقیم عبده و المیت الهی عظه و لیس لا مس غوره و للمرء من غد علی تقه و الاول للاوسط جایز و الاوسط للاخیر قائه و کل لکل لا حق و الموت لکل سائق. آن آثار ناتدل علینا فانظروا بعدنا الی الآثار تمت عمارت هذه البقعه فی آخر سنه تسع و خمسمائه» (حاج سیدجوادی، *مساجد ایران*، تهران: سروش، ص ۳۳۴-۳۲۷).

زمان دست یابند. همچنین کارشناسان ادبیات عرب می‌توانند با مطالعه متون کتیبه‌ها به زیبایی، فصاحت کلام، محتوا و صنعت ادبی آن‌ها دست یابند. هنرمندان خطاط نیز می‌توانند با مطالعه اسلوب و روش‌های گرافیکی و نوشتاری خطوط متفاوت کتیبه‌ها، خطوط را تجزیه و تحلیل کنند و از این طریق به واقعیات هنری بکر و اصیل کتیبه‌ها پی ببرند.

۲. در این مقاله، کتیبه‌های پنج‌گانه شبستان جعفری مانند کتابی تاریخی و ارزشمند مطالعه شده است. از این طریق مقاصد حاکمان متولیان امور مساجد آن دوره که بر دیوارها منقور و منقوش شده است، بررسی می‌شود. از اهم اهداف متولیان، لطافت فضای شبستان به آیات کریمه و از سویی معرفی افراد خیر، نیکوکار و عاشق است که باعث تشویق و ترغیب سایر اهالی می‌شد. شناسایی خطوط اسلامی، سنجش درجه زیبایی‌ها و معرفی ویژگی‌های آن در این مسجد از دیگر اهداف تحقیق در این زمینه است.

با توجه به آنچه در این مقاله در مورد کتیبه‌های مسجد جامع قزوین نقل شد، می‌توان نتایج زیر را استنباط کرد:

۱. زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موجود در هر جامعه در ترویج و محتوای کتیبه‌ها تأثیرگذار است.

۲. محتوای کتیبه‌ها با تعیین موقعیت و محل کاربرد آن مطابقت دارد.

۳. کتیبه‌ها علاوه بر محتوا، دارای خصوصیات زیباشناختی و هماهنگی در عناصر بصری است.

۴. در اکثر کتیبه‌های مسجد جامع قزوین به مفاهیمی از جمله نماز، زکات و نهی از ریا تأکید شده است.

۵. مساجد، نمونه کامل تجلی حقیقت الهی (نام، کلام و معنا) است.

۶. هنرمندان کتیبه‌نویس تأثیر عمده‌ای در مفاهیم و محتوای کتیبه‌ها دارند (اثر هنری،

آیین و جودی مؤثر خود است).

۷. اسلام زمینه‌های مناسبی برای رشد و توسعه هنری جوامع اسلامی فراهم کرده

است که این رشد و توسعه در مساجد جامع درخور بررسی است. مسجد جامع قزوین نمونه‌ای آشکار از این توسعه هنری است.

منابع و مأخذ

- آصف‌زاده، محمد باقر (۱۳۷۴)، *قزوین در گذرگاه هنر، قزوین: بحرالعلوم*.
- آقامحمدی، عباس (۱۳۷۷)، *سیمای استان قزوین*، تهران: طه.
- حاج سیدجوادی (۱۳۷۳)، *مساجد ایران* (متن عربی)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زارعی، باب‌الله (۱۳۷۳)، *کتیبه کوفی مسجد جامع قزوین*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علی‌آبادی، محمد (۱۳۷۸)، «جلوه‌های جمال در مسجد»، *ویژه‌نامه معماری مسجد، گذشته، حال، آینده*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه هنر، ص ۳۱۱.
- گلریز، سیدمحمدعلی (۱۳۷۷)، *مینودر یا باب‌الجنه قزوین*، تهران: دانشگاه تهران، ص ۶۰.
- دردشتی، فیروزه (۱۳۷۹)، «هنر مقدس، علم فراگیر»، *روزنامه انتخاب*، ش ۳۲۷، خرداد، ص ۶.
- نفیسی، علی‌اکبر (ناظم الاطباء) (۱۳۴۳)، *فرهنگ نفیسی*، تهران: کتاب‌فروشی خیام.

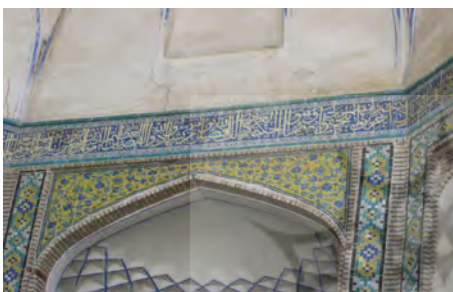
تزینات کتیبه‌ای مسجد جامع قزوین ■ ۷۷



(۲) نمایی از ایوان جنوبی.



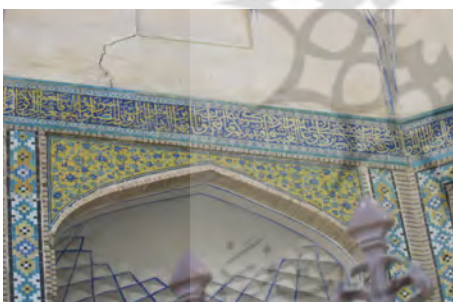
(۱) نمایی از ایوان شمالی.



(۴)



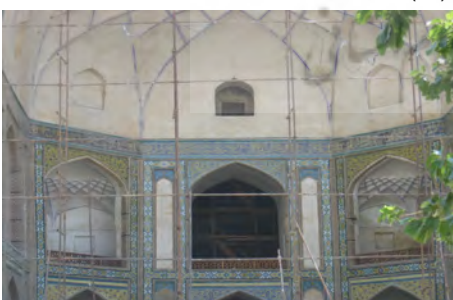
(۳)



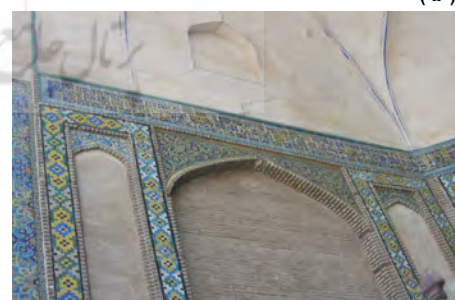
(۶)



(۵)



(۸)



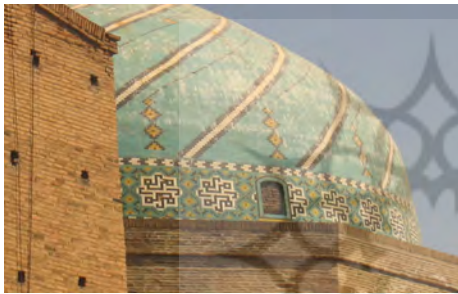
(۷)

تصاویر ۳ تا ۸ - بخش‌هایی از ایوان جنوبی با کتیبه‌ی سوره‌ی جمعه در کاشی‌آبی لاجوردی



(۹) ورودی ایوان جنوبی با فرامین پادشاهی با کتیبه‌ای در خط نستعلیق.

(۱۰) ورودی ایوان جنوبی سمت راست با فرامین شاه سلیمان صفوی با کتیبه‌ای در خط نستعلیق. ▲



(۱۲) نمایی از گنبد شبستان اصلی یا ایوان جنوبی. ▲
(۱۱) ورودی ایوان جنوبی سمت چپ با فرامین فتحعلی شاه قاجار با کتیبه‌ای در خط نستعلیق.



(۱۳) کوفی مزهر (گلدازار) از گچ‌بری‌های شبستان اصلی مسجد جامع.

(۱۴) کتیبه سوم به خط کوفی بر زمینه‌ای ماریج.

